

نگاهی به نظریه های تحلیل عوامل در توصیف، تبیین و شناخت شخصیت

سجاد سهراب نژاد^۱، علی احمدی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران

۲- مدرس دانشگاه پردیس فرهنگیان مدرس ایلام

مقدمه

همه کسانی که درباره شخصیت نظریه آورده اند مقصودشان دست یافتن به متغیرها یا عواملی بوده است که بتوان به کمک آن ها به توصیف و توجیه چگونگی رفتارها پرداخت. برای این منظور از روش هایی مانند " روان درمانی " یا روان شناسی حیوانی " و "تحقیقات آزمایشگاهی" بیشتر استفاده کرده اند. اما تنی چند از روان شناسان که کتل^۱ و آیزنک^۲ از معروفترین آن ها هستند، بیشتر روش آماری را که بر پایه جمع اوری اطلاعات گوناگون و " روان سنجی " و تستهای عینی و سرانجام نتیجه گیری توسط تحلیل عوامل قرار دارند را به کار می برند. در نگاهی به ریشه تاریخی نظریه های تحلیل عوامل^۳ می توان گفت این تلاش ها با کار دو روان شناس آلمانی به نام های کلیج و بائوم گارتن شروع شد که عقیده داشتند یک تحلیل دقیق از کلمات موجود در زبان می تواند مفهوم شخصیت را روشن سازد. کلیج (۱۹۲۶) این صفات را در زبان آلمانی ۴۰۰۰ تخمین زد و گارتن (۱۹۳۳) با ضوابط محدود کننده تری ۱۰۹۳ صفت را در این باره برشمرده است (دیگمن، ۱۹۸۱ به نقل از فرشی، ۱۳۸۰).

همان طور که جان وهمکاران او (۱۹۸۸) اشاره می کنند. تلاش های بائوم گارتن تاثیر کمتری در روان شناسی آلمانی گذاشت ولی کارهای او بیشتر در آلپورت و ادبرت (۱۹۳۶) اثر گذاشت که بررسی زبان خودشان را برعهده گرفتند و به ۱۸۰۰۰ صفت در انگلیس دست یافتند که از این کلمات ۴۵۰۵ مورد به معنای صفت به مفهوم واقعی هستند (گروسی فرشی، ۱۳۸۰).

^۱ Roymond B. Cattell

^۲ Eysenck

^۳ Faktor analysis